

# برابرسازی واژگان فارسی پر کاربرد در دستگاه فنی و اجرایی کشور

زبان فارسی را پاس داریم

Metror.ir-JZ102-B05

گردآوری: مهندس متروور احمدرضا جعفرزاده  
کارشناس متره و برآورد و آیین‌های پیمان و رسیدگی  
اردیبهشت ماه 1395  
بازنگری: آذرماه 1395

[www.metror.ir](http://www.metror.ir)

با خوشبختی باید گفت ما هنوز تواناییم و با همکاری هم و براساس اصل پانزدهم قانون اساسی ، فارسی را پاس خواهیم داشت ، هرچند با افسوس باید گفت در نظام (دستگاه) فنی و اجرایی کشور به ویژه در نام ها ، آیین نامه ها ، بخشنامه‌ها، شیوه نامه‌ها و هتا در فهرست های بهای واحد پایه که نگاه می کنیم ، واژه های بیگانه به ویژه از تازی راه یافته را کم نمی بینیم ، که گاه چنان سهمگین وار به این دستگاه تاخته اند که نه تنها از واژه های فارسی شدهی آنها بلکه از زبان دیگر قوم های ایرانی نیز در آنها هم دریغ گردیده است و نمونه های آن ، چنان فراوان شده که گمان می رود به زودی باید در پرونده های سازمان برنامه ، از پس تک واژه های فارسی و ایرانی گشت و نیافت .

اینک در پی پذیرش بسیار از بخش نخست تا چهارم این فهرست واژگان که بیرون از اندیشه ما بود ، ویرایش پنجم آن را با واژه‌های افزون شده (روی هم رفته با 550 واژه پرکاربردتر) ، هم در کاربرد اکسل و هم در پی دی اف آماده و به شما ارجمندان پیشکش می‌نمایم تا آن را دوباره به اشتراک بگذارید ، بلکه واژه‌های فارسی و ایرانی بیش از پیش بکاربرده شوند و این زبان به ویژه در دستگاه فنی و اجرایی کشور و سازمان برنامه و بودجه کشور دوباره ریشه دوانده و جانی دوباره بگیرد.

اگر کم و کاستی و نادرستی در این واژه ها یافتید ، آن را به ما گزارش نمایید. از آنجا که این کاربرد دست کم هر سال یکبار ویرایش و واژه های پرکاربرد تازه ای به آن افزوده خواهد شد. خواهشمند است اگر برایتان شذنی است ، تنها پیوند تارنمایی آن را به اشتراک بگذارید تا دسترسی به تازه ترین ویرایش برای همه ارجمندان آسان تر باشد.

ایران به اندیشه و تلاش همه‌ی ایرانیان پاینده است ، امید است در راه پایداری و استواری ایران از هیچ کوششی دریغ نفرمایید و خود نیز این واژه های فارسی را در اندازه توان بکار ببرید. برای گزینش این واژه ها کتاب های چندی به کاربرده شدند از آن نمونه می توان به شاهنامه فردوسی چاپ مسکو ، فرهنگ دهخدا و واژه‌یاب نگاشته‌ی آقای پرتو اشاره داشت ، واژه های فارسی برای به کاربردن در دسترس ما هستند ، اگر بخواهیم.

با سپاس فراوان

احمدرضا جعفرزاده

کارشناس متره برآورد و آیین پیمان ها

17 اردیبهشت ماه 1395

بازنگری پنجم : 12 آذرماه 1395

راپانامه :

[Metror.civil@gmail.com](mailto:Metror.civil@gmail.com)

نام کاربری بنده در تلگرام

[@metrorir](https://www.t.me/metrorir)

کانال تلگرامی ما :

[www.telegram.me/metror](https://www.telegram.me/metror)

## واژه های برابر شدهی فارسی (ایرانی) در دستگاه فنی و اجرایی کشور

واژه بیگانه	واژه فارسی ، فارسی شده یا جایگزین	ردیف
اُرگان	سازمان	1
اخلال ، اخلال	کارشکنی ، آشوب	2
ابتکار	نوآوری	3
ابدأ	هرگز ، هیچ گاه	4
ابداع	نوآفرینی	5
ابعاد	اندازه ها ، گوشه ها ، بُعدها	6
ابلاغ شد	دستور داده شد، فرمان رسانی شد ، (ابلاغ شد)	7
ابنیه	ساختمان ها، ساختمانی	2
ابهام	پوشیدگی ، سربسته بودن	3
اتصال	هم بند ، پیوستگی ، پیوند ، به هم پیوستن	4
اتفاق	رخداد ، پیامد	5
اتفاق آرا	بیشترین دیدگاه ، همد رأی ها ، هم رأی ، یگانگی دیدگاه ها	6
اجبار	به زور ، زوری	7
احتراما	ارجمندانه ، با ارجمندی ، (با احترام)	8
احترامات فائقه	با بالاترین سپاس ها	9
احتساب	شماره کرد ، شمارش ، برآورد	10
احتیاج	نیاز ، نیازمند	11
احتیاط	پروا ، پاییدن ، به هوش بودن ، پایشمندی	12
احجام	گنج ها ، گنجایش ها	13
احداث	بنا کردن ، ساخت ، ساختن ، بنیاد کردن ، پدید آوردن ، نوسازی	14
احضار	فراخواندن ، فراخوانده شدن	15
احکام	دستورها ، فرمان ها	16
اختراع	نوآفرینی	17
اختصاراً	به کوتاهی ، کوتاه گفت	18
اختلاف ، تفاوت	ناسازگاری ، ناهمسانی ، دوگانگی ، چندگانگی ، دگرسان ، ناساز ، ناهمگون	19
اختلاف نظر	دیدگاه ناساز ، دیدگاه های ناهمگون ، دوگانگی دیدگاه ها	20
اخذ کردن	گرفتن، دریافتن	21

## واژه های برابر شده ی فارسی (ایرانی) در دستگاه فنی و اجرایی کشور

واژه فارسی ، فارسی شده یا جایگزین	واژه بیگانه	ردیف
هشدار ، یادآوری	اخطار	22
رفتار ، خوی ها	اخلاق	23
تازگی ، تازه ، واپسین ، گذشته ،	اخیر	24
داوش ( ادعا )	ادعا (کلیم)	25
سرسپار ، سرسپرده	ارادتمند	26
خواست	اراده	27
زمین ها	اراضی	28
پیوندها ، (ارتباط ها)	ارتباطات	29
لرزش	ارتعاش	30
بلندا ، بلندی ، بالا	ارتفاع	31
بالابردن، پایه دادن ، افزایش رتبه	ارتقا	32
فرستادن، واگذاشت	ارجاع	33
فرستادن ، گسیل ، روانه	ارسال	34
راهنمایی	ارشاد	35
نام ها	اسامی	36
پیش تر	اسبق	37
مگرپذیر ، جدا ، سوی	استثناء	38
بازیابی ، برداشت	استحصال	39
آگاهی ، یادداشتن	استحضر	40
نگهبانی	استحفاظ	41
سزاواری	استحقاق	42
کارگزینی ، کارمندگزینی	استخدام	43
بیرون کشی ، برهیختن	استخراج	44
پس گرفتن ، واپس داد ، پس دادن ، بازستانی	استرداد	45
کناره گیری	استعفا	46
آگاهی خواستن ، واجیدن ، قیمت خواهی	استعلام	47
کاربرد	استعمال	48

دریافت در کاربرد آکسل

## واژه های برابر شدهی فارسی (ایرانی) در دستگاه فنی و اجرایی کشور

واژه فارسی ، فارسی شده یا جایگزین	واژه بیگانه	ردیف
بهره مندی ، بهره بردن ، سود بردن	استفاده	49
وَأُپْرَسِدِن	استفسار کردن	50
پیشواز ، پذیرش ، پذیراک	استقبال	51
یاری ، کمک خواهی	استمداد	52
پیوستگی ، همارگی	استمرار	53
سرپیچی ، خودداری کردن ، سرباز زدن	استنکاف	54
فرسایش ، فرسایی	استهلاک	55
کرایه ای ، گاه بها ، اجاره ای	استیجاری	56
زودتر ، هرچه زودتر ، باشتاب ، بسیار فرز ، کمترین زمان	اسرع وقت	57
فرنودین ، دفتر ها ، نَورده ها ، تَزده ها ، قباله ، ( دست کم بگوئیم سند ها ، استناد شده ها )	اسناد ( مستندات )	58
دشواری ، نادرستی	اشکال	59
کم و کاستی ها	اشکالات	60
ویرایش ، ویرایش ها	اصلاح ، اصلاحات	61
افزایش ، افزون ، افزوده ، افزودن	اضافه	62
افزوده بها ، افزون بها ، (اضافه بها)	اضافه بها	63
خاموش کردن	اطفا	64
آتش نشانی	اطفا حریق	65
پیام رسانی ، آگاهی دادن	اطلاع رسانی	66
داده ها	اطلاعات	67
بیان دیدگاه ( اظهار نظر فرمایید = دیدگاه خود را بیان فرمایید )	اظهار نظر	68
ارزش ، استوار ، ورسنگ ، استوار ، ارج	اعتبار	69
واخواهی ، واخواست	اعتراض	70
کارایست ، دست از کار کشیدن	اعتصاب	71
باور ، گروه	اعتقاد	72
واگذاری ، بخشیدن ، پیشکش ، ارزانی	اعطا	73
آگاه نمودن ، بازنمود	اعلام	74
اگرچه ، همانند ، از میان ، از آن دسته	اعم از	75

## واژه های برابر شدهی فارسی (ایرانی) در دستگاه فنی و اجرایی کشور

واژه فارسی ، فارسی شده یا جایگزین	واژه بیگانه	ردیف
همانندِ فهرست های بها	اعم از فهرس بها	76
بکارگیری ، انجام	اعمال	77
بیشتر ، بیشترین	اغلب	78
تندروی ، زیاده روی ، گزافه	افراط	79
انجام دادن ، دست به کار شدن ، دست زدن	اقدام کردن	80
رده ها ، کالاها ، نمونه ها	اقلام	81
بیشتر	اکثر	82
با این همه ، اگر چه ، به راستی ، به درستی ، همانا	البته ، جداً	83
پیوست	الحاق	84
پیوست به پیمان ، افزایش ... (افزایش زمان و یا بهای پیمان)	الحاقیه	85
بایسته ، ناگزیرانه ، ناگزیر ، ناگزیرانه	الزام آور	86
بایسته ها ، بایستگی ها ، نیازها	الزامات	87
برتری ، فردات	امتیاز	88
پاینام ، (امضا)	امضاء	89
کارها ، نهادها	امور	90
گزینش ، گزینه ، سوا ، سواسازی ، جداسازی	انتخاب	91
سودبری	انتفاع	92
تک گزینه ای ، دربستگی ، یک داو ، یکتا ، تنها در دست ، (انحصار)	انحصار ، انحصاری	93
پیمان بستن ، بستن پیمان ، بستن قرارداد	انعقاد قرارداد	94
پایان یافت ، پایان زمان ارزش	انقضاء	95
گونه ها ، چند گانه (اگر هم جنس باشند گونه های همسان و اگر از یک جنس نباشند گونه های ناهمسان می گوئیم)	انواع	96
نخست ، (اول)	اول	97
نخستین ، ابتدایی ، (مبلغ اولیه قرارداد = مبلغ ابتدایی پیمان)	اولیه	98
ارزشمند	اهمیت	99
روزها	ایام	100
نیاز	ایجاب	101
آبیم	ایمن	102

## واژه های برابر شدهی فارسی (ایرانی) در دستگاه فنی و اجرایی کشور

ردیف	واژه بیگانه	واژه فارسی ، فارسی شده یا جایگزین
103	آرشیئتکت	دزداد ، دزداد ، (آرشیئتکت)
104	آرشیو	بایگانی
105	آسفالت	گژفه ، (اسفالت)
106	آمین	چنین باد
107	آنالیز	واکاو ، آناکاو . (آنالیز)
108	آیتمایز ، آیتم یابی	ردیف یابی ، همردیفی
109	باعث	مایه‌ی
110	بر طبق	برپایه‌ی ، برابر با ، براساس ، همچون
111	برعکس (بالعکس)	وارونه ، واژگون، واژگونه
112	بعد از	پس از
113	بعدی	پسین ، پس از این
114	به ازاء	بجای ، برابر
115	به دفعات لازم	به شمار بایسته ، به هر بار که بایسته است
116	به زعم ما	به باور ما
117	به طور کامل	بی کم و کاست
118	به طور کل	به یکباره
119	به طور مشخص	به گونه‌ی ویژه
120	به عبارت دیگر	به بیان دیگر
121	به محض	همین که
122	به نسبت	در سنجش ، به همان برابر
123	به نظر ( به نظر اینجانب )	دیدگاه ( به دید بنده ، از دید بنده ، دیدگاه بنده ) ، به نگر
124	به واقع (در واقع )	به راستی
125	به هر عنوان	به هر روی ، به هر نام ، بر هر برنامه
126	بی اعتبار	بی ارزش ، بی ارج
127	بی مورد	بیهوده ، نابجا
128	بین المللی	جهانی ، بین کشورها ، فرامرزی
129	پارک	پردیس ، (پارک)

## واژه های برابر شدهی فارسی (ایرانی) در دستگاه فنی و اجرایی کشور

واژه فارسی ، فارسی شده یا جایگزین	واژه بیگانه	ردیف
توقفگاه ، ایستماند ، (پارکینگ)	پارکینگ	130
تیمچه	پاساژ	131
بسته ها ، بریکها	پاکات	132
بسته ، بریک	پاکت	133
منش ، ستایش انگیزی	پرستیژ	134
ایستگاه ، پایگاه ، پاسگاه	پست	135
تا همیشه ، بی پایان	تا ابد	136
تاکنون	تا حالا	137
پیرو ، پایناک	تابع	138
شهروندی	تابعیت	139
نگاره ، پلمه ، تخته سیاه، (تابلو)	تابلو	140
دیرکرد ، پس اُفت	تاخیر در پرداخت	141
دیرکردها ، پرمگان	تاخیرات	142
پرداخت ، واگذاشت	تادیه	143
افسوس	تاسف	144
سامانه	تاسیسات	145
درنگ ، سکالش	تامل	146
برآوردن ، فراهم آوری ، آماده کردن ، خرید ، فراهم کردن	تامین	147
برهان گیری ، برهان گرفت ، آوند گیری	تامین دلیل	148
بالابر، باربردار	تاور ، جرثقیل	149
درستی ، آستیدن ، پذیرش ، پی بردن ، تایید	تایید	150
پذیرفت ، بازشناخت ، به درستی آن پی برد، آستید	تایید کرد	151
بازگفت ، بازنمود	تبیین	152
بازرگانی	تجاری	153
فرجام خواهی ، بازبینی ، بازنگری ، دوباره بینی	تجدید نظر	154
کارآزمودگی ، اروند	تجربه	155
فراکاو بها ، تجزیه بها	تجزیه بها ( آنالیز بها )	156



## واژه های برابر شدهی فارسی (ایرانی) در دستگاه فنی و اجرایی کشور

واژه بیگانه	واژه فارسی ، فارسی شده یا جایگزین	ردیف
تجهیزات	آمد ، ساز و برگ	157
تحکیم	استوار ، پایدار نمودن ، سفت نمودن ، استواری	158
تحویل قطعی	پایان داد ، پایان کار ، پایان گرفت	159
تحویل موقت	میان داد ، میان گرفت ، میان کار ، تحویل میانی	160
تخفیف	دَهش ، پیشکش ، ارمغان ، تخفیف	161
تدارک	آماده نمودن	162
تسطیح	هموارسازی	163
تسهیلات	آسان کردها	164
تشخیص	شناسایی ، بازشناخت	165
تشریح	واشکافی ، روشن گویی	166
تشریفات ( قضایی )	آیین دادرسی ، آیین قضایی	167
تشکر	سپاس ، سپاسگزاری	168
تصریح	رک ، راست ، روشن ( تصریح شده باشد = به روشنی بیان شده باشد )	169
تصمیم	برآن شده ، رأی ، گزیرش	170
تصویب	پذیرش ، برنهادن ، برنمود ، پذیره	171
تصویب کرد	برنهاد ، برنمود	172
تطبیق	برابر سنجی	173
تعاریف	شناسایی ، شناسایی واژه ها	174
تعیه	جاسازی	175
تعديل	تراز ، همترازی ، برابر کردن ، (تعديل)	176
تعديل معكوس	تراز برگردان ، تراز وارون ، (تعديل معكوس)	177
تعريف	شناساندن ، ( تعاریف = شناسایی )	178
تعطیل	فرویش (تعطیلات = فرویشان)	179
تعقل	خردورزی	180
تعليق	درنگ ، آویزش ، آگش ، فروهشته ، (تعليق)	181
تعلیم	آموزش ، دانشوری	182
تعلیمات	آموزه ها ، آموزش ها	183

## واژه های برابر شدهی فارسی (ایرانی) در دستگاه فنی و اجرایی کشور

واژه بیگانه	واژه فارسی ، فارسی شده یا جایگزین	ردیف
تعمد	دانسته ، از دست	184
تعمیر	بازسازی ، نوسازی ، بهسازی ، نپسارش	185
تعویض	جایگزین	186
تعهد	پذیرش ، پایبندی ، به دوش گرفتن ، به گردن گرفتن	187
تعیین	گزینش ، بازنمون	188
تعیین صلاحیت	شایسته سنجی ، رده دهی ، پایه دهی	189
تغییر	دگرش	190
تقاضا	درخواست	191
تقریبا	کم و بیش ، نزدیک به ، ( به تقریب )	192
تقویت	توانبخشی ، توان افزایی	193
تکمیل	بفرجام رساندن ، پایان یافته ، فرجامیدن ، کامل کردن ، پر شدن	194
تلقى	برداشت ، دیدگاه	195
تنفیذ	استوارسازی ، انجام داد	196
توضیحات	بازنمودها ، بازگفت ها ، فرانمودها ، روشن سازی	197
تهنیت	شادباش ، فرخنده باد	198
تهیه	فراهم ، آماده سازی ، ساخت	199
جبران	توخت ، بازپرداخت ، توزش ، بازسازی ، جبران	200
جدار	دیواره	201
جدار خارجی	دیواره بیرونی	202
جدول	زیگ ، (جدول)	203
جریمه / جرائم	تاوان / جریمه ها	204
جمع	رَمَن ، (جمع)	205
جمعی	گروهی	206
جنس	کالا	207
حادثه	پیشامد ، رخداد	208
حاصل	برآمد ، دستاورد، ره آورد ، فرآورده ، بهره ، دستامد	209
حال	اکنون ، اینک ،	210
حال آنکه	از سویی ، شگفت اینکه ، اینک آنکه	211
حتی	هتا ، تا آنجا که ، اگرچه	212
حجم	اندازه ، گنجایش ، فراوانی ، انبوه	213

## واژه های برابر شدهی فارسی (ایرانی) در دستگاه فنی و اجرایی کشور

واژه فارسی ، فارسی شده یا جایگزین	واژه بیگانه	ردیف
کرانه ، مرز ، پایان (بی حد = بی پایان ، بی کرانه)	حد	214
دست کم ، کمینه	حداقل	215
دست بالا ، بیشینه	حداکثر	216
گمان	حدس	217
درستی انجام کار ، (حسن انجام کار)	حسن انجام کار	218
کندن ، خاکبرداری	حفاری	219
نگهداری ، نگهداری	حفاظت	220
نگهداشت ، نگهدار	حفظ	221
روا	حق	222
کارانه	حق ماموریت	223
دستمزد	حقوق	224
راستی ، درستی ، فرهود	حقیقت	225
فرداد ، فرمان ، دستور	حکم	226
داوری	حل اختلاف	227
ترابری ، ترابرد ، باربری ، جابجایی	حمل (حمل و نقل)	228
ویژه ، برجسته ، برگزیده	خاص	229
سره ، نت (واژه نت کاربرد فراوان و استاندارد ی یافته)	خالص	230
زیان	خسارت	231
آسیب ، بیم ، گزند	خطر	232
بیمناک ، دشوار ، زیانبار	خطرناک	233
چکیده ، کوتاه ، فشرده ، گزیده	خلاصه	234
فشرده متره، (خلاصه متره)	خلاصه متره	235
بارگیری ، دریافت ، (دانلود)	دانلود	236
در دست ، دردسترس	در اختیار	237
دربارهی	در ارتباط با	238
بدینگونه ، به این سان ، بدینسان	در این صورت	239
چنانچه	در صورتی که	240
وگرنه	در غیر اینصورت	241
گنجانده شده	درج شده	242
شیوه نامه ، دستورکار	دستورالعمل	243
فراخوان ، فراخواند ، فراخوان نامه	دعوتنامه	244

## واژه های برابر شدهی فارسی (ایرانی) در دستگاه فنی و اجرایی کشور

واژه بیگانه	واژه فارسی ، فارسی شده یا جایگزین	ردیف
دفاتر	دفترها	245
دفاع ، دفاعیه	پشتیبانی ، پدافند ، ایستادگی ، پاناک	246
دفتر مرکزی	دفتر ستاد	247
دفعات	بارها ، شمار	248
دلیل	برهان ، آوند ، فرنود ( به این دلیل = به این برهان )	249
دوجداره	دو لایه	250
دوره	چرخه ، ( دوره )	251
دوره تضمین	چرخه‌ی پشتیبانی ، ( دوره پشتیبانی ، دوره تضمین )	252
ذوب	گدازش (برای فلزات) ، آب شدن ( برای یخ و برف )	253
رسمی	قانونی	254
رعایت	پاسداشت ، پایش	255
رفع ابهام	زدایش ، دریافتن ، (رفع ابهام)	256
رفع نقص	بازسازی ، نوسازی ، بهسازی	257
زیاد	بسیار، فراوان	258
ژئودزی	زمین پیمایی	259
ژئوگرافی - جغرافی	بوم شناسی ، گیتاشناسی	260
سابقه ، ماسبق	پیشینه ، گذشته	261
سالن	تالار	262
سرجمع	روی هم رفته ، همبارش ، هم افزون ( بخشنامه سرجمع = بخشنامه هم افزون )	263
سرع	شتاب ، زود ، فرز	264
سریع السیر	تندرو ، بادپا	265
سطح	تراز ، رو ، بالا، (سطح)	266
سطح صاف و مستوی	هموار ، هامَن	267
سعادت‌مند	خوشبخت	268
سوق	بازار	269
سه‌م	دانگ ، بخش	270
سیستم	سامانه ، دستگاه	271
شاخص های تعدیل	شناسه های همترازی	272
شامل	درب‌گیرنده ، درب‌گیری	273
شرایط	سامه ها	274
شرایط عمومی پیمان	سامه های همگانی پیمان ها ، ( شرایط عمومی پیمان )	275

دریافت در کاربردگ اکسل

## واژه های برابر شدهی فارسی (ایرانی) در دستگاه فنی و اجرایی کشور

واژه فارسی ، فارسی شده یا جایگزین	واژه بیگانه	ردیف
خاور ، خاوران	شرق	276
آغاز	شروع	277
گفتاری ، زبانی	شفاهی	278
دادخواست ، شاوید ، شاموش	شکایت	279
درب‌گیری ، درب‌گیرنده	شمول	280
کارفرما	صاحب کار	281
برونده ، (صادر کردن)	صدور	282
به روشنی	صراحتا	283
شایستگی	صلاحیت	284
فرآوری ، فرآورده ، صنعت‌ها، (صنایع)	صنایع	285
پیشه ، افزار	صنعت	286
رسته	صنف	287
انجمن نوشت ، (صورت مجلس)	صورت مجلس	288
کارکرد ، کارکرد ماهانه ، کارکرد سه ماهه ، (صورت وضعیت)	صورت وضعیت	289
کارکرد پایانی ، (صورت وضعیت قطعی)	صورت وضعیت قطعی	290
کارکرد پیش پایانی ، کارکرد پیش از قطعی	صورت وضعیت ماقبل قطعی	291
کارکرد میانی، (صورت وضعیت موقت)	صورت وضعیت موقت	292
نشست نامه ، پیشنهاد ، (صورت جلسه)	صورت جلسه	293
پرداخت نامه ، سپاهه	صورت حساب	294
بخشنامه ، فراریز	ضابطه	295
کلفتی ، (ضخامت)	ضخامت	296
زبانزد ، (مَثَل)	ضرب المثل	297
زیان	ضرر	298
درانگار ، نرخ ، (ضریب)	ضریب	299
سست ، ناتوان ، کم توان ، کم نیرو	ضعیف	300
پایندنامه ، پشتوانه ، (ضمانت نامه)	ضمانت نامه	301
روش های اجرایی ، بند فند ، آیین نامه‌ها	ضوابط فنی	302
اشکوب ، چینه ، دسته ، رده	طبقه	303
دسته بندی ، رده بندی، (طبقه بندی)	طبقه بندی	304
برنامه	طرح	305
دو سوی پیمان	طرفین پیمان	306

## واژه های برابر شدهی فارسی (ایرانی) در دستگاه فنی و اجرایی کشور

واژه بیگانه	واژه فارسی ، فارسی شده یا جایگزین	ردیف
طریق	روش ، راه ، شیوه ، روند	307
طول	درازا ، راستا ، درازی ، درازه ، درازنا (در طول = در راستا) ، کش	308
طول جغرافیایی	پهناک	309
طول دادن	کش دادن	310
طول کشید	به درازا کشید ، دیرشد	311
ظرفیت مجاز	توان همزمان	312
عابر	رهگذر	313
عاری	بدون ، بی بهره ، برهنه ، برکنار	314
عالی	بسیار خوب ، بلند پایه ، والا ، ارجمند ، برجسته ، برسو	315
عامل	گزینه ، ردیف	316
عبارت است از	شامل	317
عبث	بیهوده ، بی ارزش ، پوچ ، گزاف	318
عدم قصور	بی گناهی ، کوتاهی نکردن	319
عذر	پوزش	320
عرض	پهنا	321
عرف (عُرف)	روال ، پذیرفته شده	322
عرف کرد	روال نمود ، نهادینه کرد	323
عشق	شیدایی	324
عضو	هموند ، اندام ، کاربر	325
عکس	فرتور ، نگاره	326
عمران	آبادانی	327
عمق	ژرفا ، گودی	328
عمل و عکس العمل	کنش و واکنش	329
عملکرد	کارکرد	330
عملیات	کار ، کارها ، (عملیات)	331
عودت	پس فرستادن ، بازگردانی	332
عهده	دوش ، بردوش ، (عهده)	333
غرب	باختر ، باختران	334
غفلت	لغزش ، ناآگاهی ، فراموشکاری	335
غلط	نادرست ، لغزش	336
غیر	دگر ، نا ، بی ، جدا ، مگر ، بجز	337

دریافت در کاربرگ اکسل

## واژه های برابر شدهی فارسی (ایرانی) در دستگاه فنی و اجرایی کشور

واژه فارسی ، فارسی شده یا جایگزین	واژه بیگانه	ردیف
تاوان ناپذیر ، توزش ناپذیر	غیرقابل جبران	338
بدون ، بی ، نادار ، نبود، بی بهره	فاقد	339
بدون ارزش ، بی ارزش ، ارزشی نداشتن ، بیواریه	فاقد اعتبار	340
سود ، بهره	فایده	341
بازرخش	فتوکپی	342
آسایش	فراغت	343
انگاره ، انگاشتن ، پنداشت ، گمان	فرض ، پیش فرض	344
اگرچه ، گرچه ، به گمان ، به انگار	فرضاً	345
کاربرگ	فرم ، فرمت ، فایل	346
سانیز ، نمودک ، انگارش	فرمول	347
به هم خوردن	فسخ	348
گروه ، دسته ، (فصل)	فصل	349
اندیشه	فکر	350
توپال ها	فلزات	351
فند ، فندها ( فن ، فن ها )	فن ، فنون	352
مسیرها	فواصل	353
بی درنگ ، بی درنگی	فوریت	354
بالا ، فراز	فوق	355
شالوده	فونداسیون	356
فهرست های بها	فهارس بها	357
فهرست بهای سامانه ها	فهرست بهای تاسیسات	358
شایان ، درخور، توانا	قابل	359
شایان درنگ، درخور توجه	قابل تامل	360
شایان سنجش ، شایان برابری ، درخور برابری	قابل تطبیق	361
شایان نگر، (شایان توجه)	قابل توجه	362
تاوان پذیر ، توزش پذیر	قابل جبران	363
ایستاده	قائم	364
پیش	قبل	365
پذیرش شده ، پذیرفته	قبول	366
پارینه ، (قدیم)	قدیم	367
گونه	قرار	368
لایه ، پوسته ، روبه	قشر	369

دریافت در کاربرگ اکسل

## واژه های برابر شدهی فارسی (ایرانی) در دستگاه فنی و اجرایی کشور

واژه فارسی ، فارسی شده یا جایگزین	واژه بیگانه	ردیف
کوتاهی	قصور	370
تکه ها ، بریده ها، برش شده ها	قطعات	371
پایانی ، انجامین ، سد در سد	قطعی	372
کاريز ،(قنات)	قنات	373
نیروها	قوا	374
بهای تازه ، بهای کار تازه ، ( قیمت جدید )	قیمت جدید	375
بهای یکا ، بهای هر یکا	قیمت واحد	376
کار تازه ، کاره نو	کار جدید	377
کارهای تازه ، کارهای نو	کارهای جدید	378
نوشتاری	کتبی	379
انبوه ، فراوان ، بسیار، پرشمار ، چند	کثیر	380
پر شمارگان	کثیرالانتشار	381
شناسه زیرردیف ( کاربرد این واژه در تجزیه بهاست )	کد عامل	382
کاهش بها	کسربها	383
کم کردها ، کاهش های بها ، بدهی ها ، (کسور)	کسورات	384
بسنده	کفایت ، تکافو	385
اندازه و چگونگی	کمی و کیفی ( کمیت و کیفیت )	386
اشکاف ، گنجه	کمد	387
کار گروه	کمیسیون	388
از ارزش افتاده ، بی ارزش گردیده ، بی اثر	کن لم یکن شده	389
درخواست	کوثری	390
آبکاری شده ،(گالوانیزه)	گالوانیزه	391
دیر کردها و داوش نامه ( تاخیرات و ادعا ، کلیم )	لایحه تاخیرات و ادعا (Claim)	392
جامه	لباس	393
خواهشمند است	لطفا	394
تا	لغایت	395
بر هم خوردن ، برهم زدن . شکستن	لغو	396
کارشناسی	لیسانس	397
دگرمانی بها ، تفاوت بها	مابه التفاوت	398
سرشت	ماهیت	399
أریب ، کج	مایل	400
خجسته ، گرامی ، همایون	مبارک	401

دریافت در کاربرد اکسل



## واژه های برابر شدهی فارسی (ایرانی) در دستگاه فنی و اجرایی کشور

واژه فارسی ، فارسی شده یا جایگزین	واژه بیگانه	ردیف
بنیادها ، اساس	مبانی	402
بها ، ارزش	مبلغ	403
پایه ، اساس ، بنیاد	مبنا	404
زبردست ، چیره دست	متبحر	405
کارشناس ، کارآزموده	متخصص	406
کارشناسان	متخصصین	407
روالمند ، روامند ، به روال	متداول	408
مترور ، کارشناس متره و برآورد و آیین پیمان ، برآورد کننده	مترور	409
روال شده	متعارف	410
بی شمار ، چند ، فراوان	متعدد	411
خواهان ، درخواست کننده	متقاضی ، مایل	412
پایانی ، فرجامین ، قرارداد تمام کننده، (متمم)	متمم	413
درخور ، فراخور ، جور ، بهترین	متناسب	414
میانه ، میانی ، میانگین	متوسط	415
نمونه ، یک یا چند نمونه	مثال	416
برای نمونه	مثلاً (مثلاً)	417
دوباره ،	مجدد ، مجدداً	418
کاردار ، پیمانکار	مجری	419
جدا از هم ، سوا	مجزا ، مستقل	420
انجمن (مجمع تشخیص مصلحت نظام = انجمن بزرگان بایسته شناس کشور)	مجمع	421
با هم ، روی هم رفته	مجموع (مجموعاً ، در مجموع)	422
گروه	مجموعه	423
پروانه ، پذیرش ، پذیرشنامه ، روادید ، دستور	مجوز (پرمیت)	424
برآورد ، رایانش ، سنجش ، شمارش ، اندازه گیری	محاسبه	425
گستره ، چارچوب ، در یک کرانه ، در یک دامنه	محدوده	426
برونداد ، فرآورده ، بازده ، ساخته ، (محصول)	محصول	427
دفترخانه ، نسکخانه	محضر (دفتر اسناد رسمی)	428
پیوندگاه ، هم بندگاه ، جای ، جایگاه	محل اتصال	429
جای نوشتن	محل درج	430
پهنه ، جایگاه ، محوطه	محوطه	431
زمان ، گاه ، هنگام	مدت	432

دریافت در کاربرگ اکسل

## واژه های برابر شدهی فارسی (ایرانی) در دستگاه فنی و اجرایی کشور

ردیف	واژه بیگانه	واژه فارسی ، فارسی شده یا جایگزین
433	مدت طولانی (مدت مدید)	دیرباز ، دیرزمان ، دیرگاه ، چند گاهی
434	مدفون	خاک شده ، گوران
435	مدیریت	گردانش ، سرپرستی ، گرداندن ، (مدیریت)
436	مذاکره	گفتگو ، گفت و شنود ، گفت و گذار
437	مراتب	چگونگی ، پایه ها
438	مرافعه	زد و خورد ، ستیز ، کشمکش
439	مربوط	وابسته
440	مرتفع	بلند
441	مرحله	گام ، خوان ، پله
442	مرضی الطرفین	داور دو سویه ، دادگر ، داور ، دادمنش
443	مرکب	آمیخته ، آمیژه
444	مرمت ، تعمیر	بازسازی ، نوسازی ، بهسازی
445	مزایده	ارزش رای ، افزون گری ، (مزایده)
446	مسافت ، فاصله	بازه راه ، درازای راه ، طول راه
447	مستثنی	سوا ، بجز ، مگر پذیر
448	مستدل	فرونده ، با برهان ، آونده
449	مستمر	پیوسته ، همیشگی ، پایا
450	مسطح	تخت ، پهن ، یکدست ، هموار
451	مسلح	آرمه (مانند بتن بجای بتن مسلح)
452	مسئول فنی	سرپرست فند ، سرپرست فنی
453	مسئولیت	بر دوش گیری ، پذیرش
454	مشابه	همانند ، همسان ، همگون
455	مشاور	رایزن ، هم سگال ، (مشاور)
456	مشخصات	ویژگی ها ، شناسه ها
457	مشروط	سامه بر ، اما و اگر ، (به شرط)
458	مشکل	سختی ، کمبود ، دشواری
459	مشمول پرداخت	دربپرداخت
460	مصالح	ساختمایه ها ، (مصالح)
461	مصرف	به کاربردن ، گسارش
462	مصرفی	به کاربردنی ها ، نابازیافت ، کاری ، به کاربرده شده ، گسارشی
463	مصوبه	برنهاده ، (تصویب شده)
464	مطالب	جُستار

دریافت در کاربردگ اکسل

## واژه های برابر شدهی فارسی (ایرانی) در دستگاه فنی و اجرایی کشور

واژه فارسی ، فارسی شده یا جایگزین	واژه بیگانه	ردیف
بستانکاری ها	مطالبات	465
دادخواست ، درخواست	مطالبه	466
نوشتار ، نوشته	مطلب	467
شایسته ، پسندیده، دل پذیر	مطلوب	468
برابر ، یکسان	معادل	469
داد و ستد ، خرید و فروش ، سوداگری	معامله	470
همیاری ، دستیار ، جانشین	معاونت	471
کانی ، (معدنی)	معدنی	472
سرشناس ، نامی ، نامدار	معروف	473
آوازه ، سرشناسی	معروفیت	474
آبادگری ، مهرازی ، دز دادی	معماری	475
روال دارید ، رویه سازید	معمول فرمایید	476
معنا ، آرش	معنی ، معنا	477
آسیب دیده ، خراب	معیوب	478
پیمانکار	مقاطعہ کار	479
توان ، تاب ، نیرو	مقاومت	480
اندازه ، (مقادیر = اندازه ها )	مقدار	481
پیشگفتار ، دیباچه	مقدمه	482
برنهاد ، فرموده ، دستوری ، قرار گذاشته شده	مقرر	483
گزیرش شد ، برآن شد	مقرر شد ، تصمیم گرفته شد	484
مایه ی پرداخت شود	ملاک پرداخت قرار گیرد	485
ناچار ، وادار ، ناگزیر	ملزم	486
پیشگیری ، جلوگیری	ممانعت	487
بازداشتن ، بازداشته شده ، بدون دسترسی	ممنوع	488
شایسته و بجا ، بهتر	مناسب و متناسب	489
ارزش کنی ، کاهشگری ،(مناقصه)	مناقصه	490
نامزد ، خواستار، داوخواه ، (مناقصه گر)	مناقصه گر	491
داوگر ، کارگزار ، (مناقصه گزار)	مناقصه گزار	492
بن مایه ، سرچشمه	منبع (منبع) ، مرجع	493
خم ، کج ، کمان ، کمانی	منحنی	494
پیوست ، پیوست شده	منضم (منضم)	495
برابر ، همسو ، یکسان	منطبق	496

دریافت در کاربردگ اکسل

## واژه های برابر شدهی فارسی (ایرانی) در دستگاه فنی و اجرایی کشور

واژه بیگانه	واژه فارسی ، فارسی شده یا جایگزین	ردیف
منطقه	بخش ، سرزمین ، برزن ، سامان ، سیر (مانند گرمسیر ، سردسیر)،(منطقه)	497
منطقه آزاد	آزادگاه	498
منظر (منظر)	دیدگاه	499
منظور نشده باشد	در برآورد نیامده باشد ، برآورد نشده باشد	500
منعکس کرد	بازتاب داد	501
مواصلاتی	دسترسی (مانند راه های دسترسی بجای جاده های مواصلاتی)	502
موثر	کارآ ، کارآمد ، کارساز	503
موجبات	پیش نیازها ، مایه‌ی	504
مورد نظر ، مدنظر	دلخواه	505
مورد نیاز	بایسته ، درخواستی ، خواسته شده ، درخواست شده	506
موسسات	نهاده‌ها	507
موضوع	برنام ، فرنام،(موضوع)	508
موقعیت	جایگاه ، ایستار	509
مهارت	کاردانی ، ورزیدگی	510
مهندس	مهراز ، (مهندس)	511
نصاب متوسط	ترازینهی میانی ، (نصاب متوسط)	512
نصاب معاملات دولتی	ترازینهی داد و ستدهای دولتی ، نصاب	513
ناخالص	ناسره ، ناویژه	514
ناشی از	برآمده از	515
ناظر عالیه	ناظر ستاد ، بازرس برسو ، نظارت برسو،(ناظر عالیه)	516
ناظر مقیم / نظارت مقیم	بازرس کارگاهی / نظارت کارگاهی	517
نتیجه	برآمد ، پیامد ، سرانجام ، فرجام ، ره آورد	518
نحوه	روش ، شیوه	519
نسبت به	برابریا ، در برابر	520
نسخه	رونوشت ، نگارش ، ویرایش ، چاپ	521
نشأت گرفته	برگرفته	522
نشریات سازمان مدیریت	روش های اجرایی و شیوه نامه های سازمان برنامه	523
نصاب (نصاب)	ترازینه ، تزار بایسته	524
نصب (نصب)	افرازش ، افراشتن ، پیاده سازی	525
نصف (نصف)	نیم ، یک دوم	526
نظام	دستگاه ، سامان ، کشور ، کشورداری ، سازمان ، دیوان	527
نظام فنی و اجرایی	دستگاه فنی و اجرایی	528

دریافت در کاربرگ اکسل

## واژه های برابر شدهی فارسی (ایرانی) در دستگاه فنی و اجرایی کشور

ردیف	واژه بیگانه	واژه فارسی ، فارسی شده یا جایگزین
529	نظر (به نظر ، در نظر)	گمان ، دیدگاه ، نگر ( به گمان ، در نگر )
530	نظیر	مانند ، همسان
531	نفوذ	نشت ، رخنه
532	نقاط ، مناطق	جاها ، خجک ها ، میانه ها ، نقطه ها ، منطقه ها
533	نقص	خرابی ، کاستی ، نادرستی ، کمبود
534	نقض	شکست ، گسیختن ، سرپیچی
535	نقل قول	بازگفت ، گفتاورد
536	نوع	گونه
537	نهایت	بیکران،پایان ، برجام
538	نهایی	پایانی
539	واحد	یکا ، یکتا ، یکان
540	واقعاً	بی گمان
541	واقعه	رویداد ، رخداد
542	وسایل ارتباطی	ابزارهای رسانی
543	وسیله و یراق آلات	افزارها
544	وصول	دریافت ، رسید ، به دست آوردن
545	وکیل	دادگزار ، (وکیل)
546	هدف	آرمان ، انگیزه ، آماج،(هدف)
547	همت	کوشش ، تلاش ، کوشیدن
548	جمع شکسته	اگر فارسی این واژه ها به یادمان نیامد آنها را دست کم فارسی گونه بیان کنیم مانند : طلب ها ( بجای مطالبات ) ، ماشین ها ( بجای ماشین آلات ) ، یراق ها ( بجای یراق آلات ) ، محصول ها ( بجای محصولات ) ، سند ها ( بجای اسناد ) ، جریمه ها ( بجای جرائم ) ، کسرشدنی ها ( کسورات )
549	جمع با "ین"	این واژه ها را دست کم فارسی گونه بیان کنیم مانند : قانون ها ( بجای قوانین ) ، مهندسان ( بجای مهندسین )
550	واژه های تنوین دار	این واژه ها را دست کم فارسی گونه بیان کنیم مانند : به صراحت ( بجای صراحتاً ) ، به روال کامل ( بجای کاملاً ) ، به احتمال فراوان ( بجای احتمالاً ) ، در واقع ( بجای واقعاً ) ، از روی اخلاق ( بجای اخلاقاً )